

روز لغت Das Wort des Tages

written by مرتضی غلام نژاد | نوامبر 17, 2016

می خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به فعل bummeln در زبان آلمانی

bummeln یک فعل با قاعده می باشد

به نیت خرید کردن و گشت و گذار کردن در شهر یا مکانی چرخیدن البته می توان خرید هم نکرد.

صرف فعل :

bummeln - bummelten - haben / sein gebummelt

زمان حال - گذشته ساده - گذشته کامل

اما دیگر معانی :

گردش کردن ، گشت و گذار کردن ، تنبلی کردن ، به آهستگی و با تنبلی کار کردن ، سهل انگاری کردن ، دل به کار ندادن ، بی قیدی کردن

چند مثال :

Ich bummle durch die Stadt

من از وسط آن شهر به نیت گشت و گذار یا خریدن کردن رد می شوم (عبور میکنم ، میروم)

Er hat ein Semester lang gebummelt

او در طول یک ترم تنبلی کرد یا سهل انگاری کرد.

او در طول یک ترم دل به درس خواندن نداد.

Hättest du nicht so gebummelt, dann wärst du jetzt fertig

اگر انقدر تنبلی نکرده بودی ، اونوقت الان تمومش کرده بودی

اگر انقدر سهل انگاری نکرده بودی ، الان (دیگه) تمومش کرده بودی

نکته : این جمله در زمان Konjunktiv 2 می باشد که در جزوات موجود به روی سایت به طور کلی به آن پرداخته ایم.

به جای bummeln می توانیم از فعل spazieren gehen یا Spaziergang machen استفاده کنیم :

Ich möchte einen Spaziergang machen

من می خواهم یک پیاده روی (گردش) انجام بدهم

spazieren راه رفتن ، قدم زدن ، گردش کردن ، پیاده روی کردن
دیگر افعال مشابه :

Einen Streifzug machen

یک پرسه ی را انجام دادن ، یک گشت ی زدن یا یک چرخی زدن

Einen Streifzug unternehmen

اقدام به انجام یک گردش یا گشت و گذاری را کردن

schlendern

با بی خیالی راه رفتن ، پرسه زدن

faulenzten

تن پروراندن ، بی کار بودن ، تنبلی کردن ، کاهلی کردن

trödeln

وقت تلف کردن ، وقت خود را به بطالت گذراندن

shoppen

خریدن کردن

flanieren

ولگردی کردن

Viel Erfolg موفق باشید.